بسم‌الله الرحمن الرحیم

## مقدمه

قبل از ورود به بحث امر به معروف و نهی از منکر مقدماتی را بیان کردیم. بعد از آن‌ها مقدمات عامی است که توجه به آنها به طور کلی لازم است، بعضی هم مقدماتی است که در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر را در یک فضای کلیت فقه تربیت قرار می‌دهد یعنی جایگاه آن را در فقه‌التربیة مشخص می‌کند. به‌هرحال در مهندسی فقه تربیت امر به معروف و نهی از منکر که می‌خواهد قرار بگیرد نیاز به مقدماتی دارد که این مهندسی را تبیین کند.

### مقدمهٔ هفتم؛ بررسی امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان روش

روح کلی و کلیت مقدمهٔ هفتم این بود که مهم‌ترین خصوصیات قاعدهٔ امر به معروف و نهی از منکر یا این روش تربیتی، با یک نگاه تربیتی و فقهی تبیین شود. نکاتی در ذیل این مقدمه گفته شد از جملهٔ این نکات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛

#### یک. امر به معروف و نهی از منکر؛ روش تربیتی

امر به معروف و نهی از منکر در عداد دو قاعدهٔ ارشاد جاهل و قاعدهٔ هدایت و تربیت و دعوت قرار دارد و از آن به مثابهٔ یک روش باید تلقی شود.

- قاعدهٔ ارشاد جاهل یک نام سنتی فقهی دارد. قاعدهٔ دوم تا آنجایی که ما تفحص داشتیم جایگاه و نام مشخص فقهی نداشت و لذا فعلاً نام‌گذاری بین دو سه واژهٔ هدایت و تربیت و دعوت و امثال اینها در تردید بودیم. فعلاً من در این بحث‌ها آن را قاعدهٔ هدایت و تربیت نامیده‌ام. -

نکتهٔ اول که دیروز عرض کردیم این بود که امر به معروف و نهی از منکر مثل ارشاد جاهل و مثل هدایت و تربیت، نه مبنا است و نه هدف. بلکه طبق تفسیری که از اصل و روش دادیم، بلکه یک روش است و اصل نیست. به‌عبارت‌دیگر، روش و فعالیتی است که در جهت تغییر در افراد و دیگران انجام می‌شود.

#### دو. امر به معروف و نهی از منکر؛ روشی اصلاحی

نکتهٔ دوم این بود که روش‌های تربیتی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

1. روش‌های ایجابی و ابتدایی
2. روش‌های اصلاحی و تغییردهنده.

همان‌طور که در تعلیم و تربیت گفته شد، امر به معروف و نهی از منکر در گروه دوم قرار می‌گیرد.

#### سه. امر به معروف و نهی از منکر؛ روش عام تربیتی

در تقسیم‌بندی دیگری روش‌های تعلیمی و تربیتی به سه قسم زیر تقسیم می‌شوند؛

1. روش‌های گفتاری.
2. روش‌های رفتاری.
3. روش‌های ترکیبی.

بعضی از روش‌های اصلاح یا تغییر رفتار و اخلاق، روش‌های گفتاری است و بعضی روش‌ها، روش‌های عملیاتی و رفتاری است، مانند تشویق‌های عملی و ... .

روش‌های ترکیبی

گروه سوم از روش‌ها، حالت ترکیبی و تلفیقی دارند، به‌عبارت‌دیگر این نوع روش‌ها هم شکل گفتاری و هم شکل رفتاری دارند و تعداد این روش‌ها کم نیست، امر به معروف و نهی از منکر در این گروه قرار می‌گیرد.

با توجه به دامنه و شمولی که دارد ـ طبق مبانی مشهور ـ ، دارای مراتبی می‌باشد که بعضی از آنها گفتاری و بعضی از آنها رفتاری است. گرچه صبغهٔ گفتاری آن که جنبهٔ امری باشد برجسته‌تر است ولی حداقل در مبانی مشهور مصادیق رفتاری نیز برای آن بیان شده است. البته مباحث آینده ممکن است روی این نکته تأثیری بگذارد، اما عجالتاً بر اساس مبانی مشهور در می‌توان آن را به‌عنوان روشی از نوع سوم که روشی ترکیبی و تلفیقی از گفتار و رفتار است، بشمار آورد؛ یعنی درجاتی دارد که گاهی گفتاری است و گاهی رفتاری است، از این نوع است. در تنبیه و تشویق هم همین‌طور است. تنبیه و تشویق گفتاری داریم تا رفتاری.

#### چهار. امر به معروف و نهی از منکر؛ روش عام تربیتی

هر روش دارای سلسله مراتبی است، بعضی از روش‌ها خیلی عام هستند و امر به معروف و نهی از منکر از آن قبیل است.

#### پنج. امر به معروف و نهی از منکر؛ روش مصرّح

نکتهٔ دیگر این است که در روش‌های تربیتی، روش‌های مصرّح و غیر مصرّح داریم. مقصود از اصطلاح مصرّح این است که برخی از روش‌های تعلیم یا تربیت روش‌هایی هستند که در متن آیات و روایات و منابع دینی نسبت به آنها تصریح شده است و روش‌هایی است که به‌عنوان اولی نسبت به آنها توصیه شده است، اما بسیاری از روش‌های تربیتی روش‌های غیر مصرّح هستند.

مثلاً در روایات امر به آموزش قرآن شده، ترغیب زیادی نسبت به آن وجود دارد، اما اینکه چگونه آموزش دهیم؟ به روش هجایی قدیمی که در مکتب‌خانه‌های قدیم بوده یا به روش‌هایی که امروز آمده است؟ این‌ها چیزی نیست که در دین مطرح شده باشد.

ورود فقه در آداب و روش‌ها

البته دین در اتخاذ روش‌ها ملاک‌هایی را ارائه می‌دهد، مانند؛ انتخاب بهترین روش برای آموزش، متقن‌ترین و سریع‌ترین روش، این موارد استحباب دارد ولی قاعدهٔ کلی فقهی است. اما اینکه خصوص این روش مطرح باشد این چیزی است که از تجربه خود بشر بیرون می‌آید.

اصول هم همین‌طور است، روش‌ها، اصول، بسیاری از امور در تعلیم و تربیت، در اقتصاد، در سیاست، در جاهای دیگر هم همین‌طور است. بعضی از روش‌ها، آداب، اصول اموری هستند که در متن روایات به‌عنوان اولی وارد شده‌اند. اما در بعضی موارد، قواعد و عناوین کلی وجود دارد و خود روش یا ادب یا ویژگی آن از طریق تجربه به دست می‌آید و مورد شمول عناوین عام قرار می‌گیرد. بنابراین دو نوع روش وجود دارد.

- این بحث را در کتاب قضا یا در جاهای دیگر بیان نموده‌ایم. -

این بحث را در مورد آداب مطرح کردیم، چون اگر آدابی که در کتاب قضا یا در تجارت یا در تعلیم و تربیت آمده‌اند را ملاحظه کنید، این تقسیم در مورد آداب جاری است، برخی از آدابی را که فقها ذکر کردند آدابی است که در متون آیات و روایات بعناوین الاولیه وارد شده‌اند، اما بخشی از آداب، آدابی است که با عناوین خود وارد نشده‌اند، بلکه شارع ضوابط عامی فقه و شریعتی داده است و بر اساس آن ضوابط این آداب یا این روش‌هایی مورد بحث، مصداق آنها قرار می‌گیرد. اینجاست که تجربهٔ خود بشر نقش دارد و لذا همیشه گفتیم که فقه در نظامات و اصول و روش‌ها، چه در تربیت و چه در اقتصاد یا هر جای دیگر، در جاهایی به عناوین اولیه ورود کرده، یعنی مصداقی تعیین می‌کند و در مواردی نیز بیان کلی دارد و مصادیق و نمونه‌ها از علم و دانش بشر بیرون می‌آید.

باید توجه کرد که بحث‌های روشی در اینجا همه ارشاد است ولی اصول متقن جاافتادهٔ فقهی می‌باشند. و اصل موضوعیت است. به‌عبارت‌دیگر وقتی که فقه بر منابع دینی وارد شده و ریزه‌کاری‌هایی مثلاً در آداب غذا خوردن یا قضاوت یا در تجارت را که در آنها ذکر شده است را استخراج و بیان می‌کند. بیان فقه از این امور گاهی با عنوان واجب، گاهی مستحب است و تمام این موارد نیز جزء فقه است. وقتی مستحبات گفته می‌شوند اخلاق را از فقه خارج می‌شود هیچ وجهی ندارد، حرف بیجایی است که در اذهان آمده است، همهٔ این موارد جزء فقه است. مگر اینکه کسی بخواهد اصطلاح را عوض کند والا فقه است. اصل این است که هر چه در منبع و دلیل می‌آید موضوعیت دارد. بله اگر قرائنی پیدا شود که این موضوعیت ندارد آن فرقی ندارد. اصل این است که موضوعیت دارد.

دین اقلّی و دین اکثری

در بحث دین اقلی و دین اکثری که از مباحث امروزی است، گفته‌ایم که اقلی و اکثری یک امر پیشینی نیست تا بگفته شود یک قاعدهٔ عقلی پیشینی وجود دارد که اقتضا می‌کند بگوییم این اندازه جزء دین است و این اندازه اولیات دین است و این‌چنین چیزی وجود ندارد. واجد شدن اقل و اکثر امری پسینی است یعنی باید به منابع و متون دینی مراجعه شود. روش‌های مصرّح و غیر مصرّح هم همین‌طور است؛ این چیزی نیست که بتوان با فرمولی گفت اینها جزء عناوین اولیه است، و مابقی جزء عناوین اولیه نیست.

در روش‌ها و آداب غیر مصرّح قواعدی وجود دارد که آن روش را یا الزام یا تحریم یا ترجیح می‌دهند، یعنی قواعد عامه‌ای وجود دارد که بیان‌کنندهٔ وجوب یا حرمت و یا ... هرکدام از روش‌هایی است که در اقتصاد، سیاست، تربیت و... مطرح می‌شوند.

بنابراین تقسیم، اگر بخواهیم در مورد امر به معروف و نهی از منکر بحث کنیم روشن می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک روش اصلاحی و تربیت عام از روش‌های کاملاً مصرّح است، یعنی از مهم‌ترین روش‌های مصرّح به عناوین الاولیه است و با این عنوان امر به معروف و نهی از منکر آمده است. البته در آینده خواهیم دید که عناوین عامی وجود دارد که از آنها امر به معروف و نهی از منکر نیز استخراج می‌شود. یعنی اگر ادلهٔ خاصهٔ امر به معروف و نهی از منکر نداشتیم ادلهٔ عامه‌ای وجود دارد که از آنها امر به معروف و نهی از منکر استخراج می‌شود که یکی دو مورد از این ادلهٔ در کتب فقهای آمده است مثل اختلال نظام و... ولی عناوین دیگری داریم که از آنها امر به معروف و نهی از منکر بیرون می‌آید.

بیان شد که در روایات روش‌های مصرّح به عناوین وجود دارند و روش‌هایی که مصرّح نیستند و حکم آنها با قواعد عامه تعیین می‌شود. مثلاً در تعلیم قرآن که به‌عنوان یک امر مستحب و گاهی واجب است باید روشی انتخاب کرد، اما اگر روش در قدیم چیزی بوده و امروز روشی آمده است که سریع‌تر و راحت‌تر است، بعید نیست که عناوین عامه‌ای وجود داشته باشند که نسبت به انتخاب روش بهتر ترغیب می‌کند، نه اینکه الزام کنند. در مواردی نیز ممکن است به حد الزام برسد و اینجا حلقه‌ای است که علم با فقه ارتباط برقرار می‌کند.

فقه، چه در اقتصاد، چه در سیاست، چه در تربیت، در حوزهٔ رفتارها که بحث روشی است یا اصول که کیفیات کاربرد روش است، وارد می‌شود اما در مبانی تقریباً وارد نمی‌شود. در اهداف نیز فقه با یک تفصیلی ورود می‌کند. به بیان دیگر ورود فقه اولاً در روش‌ها است و ثانیاً تا حدی در اصول ورود دارد. دایرهٔ ورود مستقیم و اساسی فقه در نظامات اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی در حوزهٔ اصول و روش‌ها است.

#### نحوهٔ ورود فقه در اصول و روش‌ها

1. گاهی با عناوین اولیه وارد می‌شود، به این شکل که در متون دینی نسبت به انتخاب این روش یا اصل تصریح شده است.
2. و در بسیاری از موارد فقه قواعد کلی در آنها داده است که علم انواع شیوه‌ها و روش‌ها را استخراج می‌کند، تجربهٔ بشر چیزها را کشف می‌کند، قاعدهٔ کلی فقهی می‌گوید این خوب است یا بد است.

با این بیان وقتی می‌خواهیم یک نظام اقتصادی یا تربیتی سامان دهیم، باید در اصول و روش‌های مورد بحث به این خصوصیت اصول و روش‌ها توجه کنیم.

#### خلاصه

روش‌های تربیتی مثل روش‌های سیاسی، اقتصادی، مدیریتی تقسیم می‌شود به مصرّح و غیر مصرّح. و امر به معروف و نهی از منکر از روش های عام بسیار کلیدی مصرّح است، اما با این تبصره که اگر این تصریحات هم نبود می‌توانست به‌عنوان روش غیر مصرّح هم به شمار بیاید، چرا؟ این را بعد خواهیم گفت، که یک قواعد عمومی داریم که از دل آنها امر به معروف هم بیرون می‌آید. این هم یک بحث است که حالت تلفیقی دارد، ضمن اینکه مصرّح است ولی در فقه ظرفیت این است که از عناوین عامه این هم استخراج شود و به شکل غیر مصرّح هم در واقع جایگاه فقهی دارد.

این نکته را باید ذکر کرد که عناوین عامه دو نیاز است؛ یکی مؤکد است، اجتماع عناوین موجب تأکد یک تکلیف می‌شود. یکی اینکه در شرایط ممکن است این عناوین متفاوت یک تمایزاتی پیدا کند.

#### شش. زیر روش‌های امر به معروف و نهی از منکر

بنا بر آنچه که تاکنون گفتیم امر به معروف و نهی از منکر یک روش اصلاحی و تغییری است که غالباً ناظر به مخاطب و متعلق حکم است و گاهی و در مراتبی ناظر به کل جامعه است. این روش که روش عامه است منافات با این ندارد که این روش زیرمجموعه‌هایی از روش‌های مرتبط داشته باشد، این کاملاً معقول و متصور است. به‌عبارت‌دیگر اقدام به امر به معروف و نهی از منکر غیر از درجات و مراتب مصرّح، شیوه‌ها و شکل‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد، که در فتاوا و روایات بیان نشده‌اند، وجود این روش‌ها قابل جمع با بیان موجود در روایات و فتاوا است.

یکی از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر همین است که امر به معروف و نهی از منکر از طریق تشکیلات انجام شود. یک سازمان برای آن ایجاد شود که مراد از حسبه به معنای اول و قدیمی آن، این مورد را شامل است. یکی از شئون حسبه یک سازمان و تشکیلاتی بوده تا امر به معروف و نهی از منکر را به صورت متمرکز انجام دهد. حال ممکن است این سازمان دولتی و یا مردمی باشد مثل کارهایی که گروه‌های مردمی انجام می‌دهند، مثلاً سامانه‌ای درست می‌کنند تا در شهرشان مجموعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر کنند و یا مانند کاری که بسیج یا ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر گاهی انجام می‌دهد.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر روش عامی است که گاهی یک زیر روش‌هایی دارد که به‌عنوان مقدمه است یا یک شکلی از تجلی امر به معروف و نهی از منکر است که در ذیل امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. در تحلیل‌های تربیتی به این نکته نیز باید داشته باشیم. ارشاد جاهل نیز همین‌طور است. آن یک فعالیت آموزشی بود، اعلامی تعلیمی بود. اما آن فعالیت ممکن است که به‌عنوان یک روش عام تربیتی بود، تعلیمی بود. اما می‌توان راه‌ها و شیوه‌های متعددی در ذیل آن تعریف کرد و دارای آن شیوه‌ها باشد. در امر به معروف و نهی از منکر علی‌الاصول این امکان وجود دارد.

#### هفت. کیفیات امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک روش تلقی شد، ولی همین روش دارای اصول حاکمی است. اصول به معنای؛ کیفیات کاربست روش، چگونگی کاربرد روش، این را به‌عنوان اصل تلقی می‌کردیم. به‌عبارت‌دیگر کیفیتی که بر روش حاکم است مثل تدریج، استمرار و... .

امر به معروف و نهی از منکر نیز کیفیاتی دارد و بعضی از آن شرایطی که در ادامه خواهیم گفت، کیفیات روش امر به معروف و نهی از منکر است، مانند رعایت سلسله مراتبی امر به معروف و نهی از منکر که در فتاوا بیان شده است. آن سیر تدریجی از آن مرحله به مرحلهٔ بعد، به مرحلهٔ بعد، این انتقال تدریجی از این مرحله به مرحلهٔ دیگر این است که در لسان فقهی به‌عنوان شرایط به‌کار می‌رود، بعضی حداقل این است که به‌عنوان تربیتی به‌عنوان اصل تلقی می‌شود و لذا اصولی حاکم بر این روش‌ها وجود دارد و ممکن است اصل‌های دیگر نیز موجود باشد.

- اینها را در مقدمه توجه کنید، البته وارد بحث که بشویم ما به ادبیات تعلیم و تربیت هم اینها را باز هر جایی که می‌رسیم تذکر می‌دهیم و توجه می‌کنیم که اگر بخواهد با این ادبیات بازسازی شود یک تغییراتی در آن پیدا می‌شود که این را بعد عرض می‌کنیم. سرنخش را اینجا دستتان دادم که بعضی از شرایطی که گفته می‌شود در واقع همان کیفیات کاربرد روش است که می‌شود اصل.-

#### هشت. تعلق مراتب امر به معروف و نهی از منکر به احکام خمسه

روش‌هایی که در فقه و در حوزهٔ اقتصاد، یا سیاست، یا مدیریت و یا در حوزهٔ تعلیم و تربیت می‌آیند، محکوم به احکام خمسه می‌باشند. بعضی روش‌ها برای بعضی از اهدافی که حتی دینی هم است، بعضی روش‌ها حرام و بعضی مکروه، یا مستحب و ... هستند. و امر به معروف و نهی از منکر هم از آن روش‌هایی است که چند لایه‌ای است، محکوم به احکام خمسه می‌شود. آنچه که روشن است و واضح است این است که امر و نهی‌ای در مواردی الزامی و در مواردی ترجیحی است. انواع دیگری نیز دارد. بنابراین این هم از آن روش‌هایی است که می‌تواند محکوم به احکام خمسه شود.